



تاریخچه شهر یاسوج

در دهانه انبری صخره های زاگرس بزرگ و بر دامنه دناى همیشه سفید پر برف، در لابلاى جنگلهای تنومند و سرسبز بلوط و بن و کیکم شهر یاسوج قرار گرفته است. این شهر که نام محلی آن یاسیج و مرکز استان کهگیلویه و بویر احمد است. در سال ۱۳۴۴ احداث گردیده و قبل از ایجاد شهر یاسوج در حدود شش کیلومتری جنوب شرقی آن شهرک قدیمی تل خسرو قرار داشته که زمانی مرکز طوایف باستانی بازرنگان بوده است و سابقه تاریخی آن متجاوز از دو هزار سال می باشد. این شهرک قدیمی در



سال ۱۳۰۹ دوباره بازسازی و در سال ۱۳۲۳ مجدداً متروکه گردید که به جز تپه ای خاک از آن اثر دیگری باقی نمانده است. شهر نوپای یاسوج در کنار رودخانه بشار در آغوش تپه های متعدد در ارتفاع ۱۸۷۰ متری از سطح دریا قرار گرفته، این شهر که در سال ۱۳۴۴ فقط دارای یک خیابان اصلی بود، امروزه از گسترش و توسعه زیادی برخوردار می باشد. در فصل زمستان برف زیادی در این شهر می بارد و اکثر نقاط و ارتفاعات اطراف آن برای مدتی طولانی پوشیده از برف باقی می ماند. که این فرصت بسیار خوبی برای دوستداران ورزشهای کوهستانی بخصوص اسکی می باشد تا بخوبی از آن استفاده کنند. شهر یاسوج تاکنون بالغ بر ۱۸ کیلومتر وسعت یافته است، یکی از مهمترین دلایل این توسعه مرکزیت اداری و سیاسی این شهر می باشد که از سال ۱۳۴۲ مرکز فرمانداری کل کهگیلویه و بویر احمد بوده و سپس در سال ۱۳۵۵ به مرکزیت کل استان ارتقاء یافته است.



مراکز تاریخی و باستانی

تل خسروی

در نوشته هایی از جغرافیای قدیمی، از محل فعلی شهر یاسوج، با عنوان «تل خسروی» یاد شده است. این تل که امروزه «تل خسرو» نامیده میشود، تپه ای در جنوب شهر یاسوج است که به فاصله ای کمتر از چند کیلومتری آن قرار دارد. به جز این تل، تمامی آثار برجای مانده در یاسوج کنونی، با گذشت زمان از بین رفته است. بر اساس روایت های محلی، کیخسرو کاخی بر سر این تل یا تپه بنا نهاده بود که «پرفسور گاوبه»، آثار آن را به صورت عمارتی با آجرهای زرد چهارگوش و آجرهای سرخ از نوع آجرهای پل علیایی بهبهان (ارجان قدیم) مشاهده کرده و این مکان را به پیش از دوره هخامنشیان مربوط دانسته است. این تل



که به هزاره سوم از میلاد و سده نهم و دهم هجری قمری تعلق دارد، در ۴ کیلومتری جنوب شهر یاسوج در نزدیکی روستای تل خسرو واقع شده است. این اثر با تل شهدا، قبرستان پای چال، تپه دوم چنار، تل مهره ای و تپه ملاکانیه قابل مقایسه میباشد.

این تپه از آثار پیش از تاریخ ایران است که در سده های نهم و دهم هجری، مردم این مناطق به صورت روستایی زندگی میکردند.

تل مهره ای

تل مهره ای یکی از تپه های ماقبل تاریخ در استان است که به هزاره سوم و چهارم پیش از میلاد تعلق دارد. از نظر تاریخی،

این تل با دیگر تپه های تاریخی منطقه، به ویژه دم چنار، قابل مقایسه میباشد. این تل در یک کیلومتری شرق روستای سقاوه

یاسوج قرار گرفته است.

تپه دم چنار

محل قرار گرفتن این تپه که یکی از تپه های پیش از تاریخ است، در نزدیکی روستای دم چنار یاسوج است. این تپه تاریخی به

هزاره سوم و چهارم پیش از میلاد تعلق دارد و از نظر تاریخی با دیگر تپه های منطقه، به ویژه تل مهره ای و تل خسرو توانایی

برابری دارد .

جاذبه های طبیعی

کوه آب نهر

کوه آب نهر در فاصله ۹ کیلومتری شمال شرقی یاسوج و در جنوب روستای چشمه چنار با ارتفاع ۳۲۲۰ متر قرار گرفته است. این کوه

نیمه جنگلی از جنوب شرقی به کوه کاجیان متصل است. راه اتومبیل رو اردکان به یاسوج از دامنه شمالی این کوه عبور میکند .

کوه بندگرد

کوه بندگرد به صورت نیمه جنگلی در فاصله ۸۰ کیلومتری شمال غربی یاسوج قرار گرفته است. این کوه با ارتفاع ۲۸۰۰ متر

سرچشمه رودخانه مور زرد و رودخانه شهینیز میباشد. این کوه از شرق به کوه ماری و از غرب به کوه دالون چسبیده است.

چال کلاغ

این کوه که به کوه چال کلاغ نام گرفته است در فاصله ۱۴ کیلومتری شمال شرقی یاسوج واقع شده است. طول ارتفاع این کوه

۳۵۳۱ متر و سرچشمه رودخانه ماربر و رودخانه مهربان و جوب خاله است. این کوه در دماغه جنوب شرقی کوهستان دینار دنا

قرار گرفته است .



رودخانه مارون بیشترین مقدار آب استان را خارج می‌کند. حوزه آبریز آن، قسمت غربی مناطق بویراحمده سفلی و قسمت اعظم طبیعی و دشمن زیاری را در بر می‌گیرد. این رود پس از عبور از دم لوداب، وارد مناطق دشمن زیاری و طبیعی می‌شود و در مسیر خود شعبه‌های مهمی را دریافت می‌کند و پس از عبور از میان سوق و لنده از آخرین نقطه کهگیلویه به نام تنگ تکاب می‌گذرد و به سمت بهبهان و اهواز در استان خوزستان جریان می‌یابد و به نام رود جراحی به خلیج فارس می‌ریزد. سرچشمه‌های این رود بویژه در دامنه کوه‌ها برای گشت و گذار و تفریح بسیار جذاب و دلپذیر می‌باشد.

رودخانه خرسان

این رودخانه که به خرسان شهرت گرفته است، بزرگترین ریزابه رود کارون است و از کوه‌های تنگ سرخ و کنه دوده سه در ۴۳ کیلومتری جنوب شرقی یاسوج و ۱۵ کیلومتری شمال غربی شهر اردکان فارس سرچشمه می‌گیرد و به نام رودخانه بشار به سوی شمال غربی امتداد می‌یابد. این رودخانه ضمن عبور از دره غربی کوه تنگ سرخ، روستاهای بردزرد، تنگ مشکان و تنگ خشک را سیراب می‌سازد. در یک کیلومتری غرب روستای تنگ سرخ با رود تنگ سرخ یا محمود بیگی درهم می‌آمیزد و به دره میان کوه‌های توپ عبدالله (در قسمت شرق) و پازنان (در قسمت غرب) وارد می‌شود. در مدخل دره مزبور روستای ده تولی را مشروب می‌کند و پس از آمیختن با یک ریزابه شرقی با آب دره دلی صفدر و سپس با رود وزگ مخلوط می‌گردد و از طریق دره شرقی کوه خرکلون به سوی روستای کلگه جاری می‌شود. پس از عبور از روستای سرتنگ، در ۳ کیلومتری روستای ده شیخ با آب دره آزا در هم می‌آمیزد و بعد از عبور از روستاهای ده کهنه و سرسور به روستای دو راه می‌رسد. در شرق روستای اخیر با رودخانه گرداب، که از تنگ آبدوهی می‌گذرد، مخلوط می‌شود و به نام رودخانه گرم و گاه به نام رود خرسان به ناحیه لردگان در چهار محال و بختیاری وارد می‌شود. طول رودخانه خرسان ۲۳۰ کیلومتر و طول ارتفاع سرچشمه آن از سطح دریا ۲۹۰۰ متر می‌باشد. سراسر این رودخانه یکی از مناسب‌ترین مکانها برای انجام دادن ورزشهای آبی می‌باشد.

هفت چشمه

در دهکده مارگون، منطقه‌ای وجود دارد به نام هفت چشمه که از آب آن، آبشارهای زیبا و دیدنی به وجود آمده است. این چشمه که تقریباً در مرکز این دهکده واقع گردیده است، موقعیت مناسبی برای ایجاد تفرجگاه دارد. این چشمه در روزهای



تعطیل و به ویژه تابستان ، پذیرای تعداد زیادی از اهالی شهرستانهای یاسوج ، لنده ، میمند ، سی سخت و همچنین مسافرانی از استانهای فارس ، اصفهان و چهارمحال و بختیاری می باشد.

آبشار بهرام بیگی (همراه عکس)

آبشار بهرام بیگی یکی دیگر از آبشارهای ناحیه جنوبی رشته کوه دنا و در حد فاصل پاتاوه و لوداب ، بهرام بیگی قرار گرفته است و با ارتفاع تقریبی حدود ۳۰ متر جلوه ای از طراوت و زیبایی را به نمایش میگذارد . این آبشار در دل دشت های سرسبز و جنگل بلوط ناحیه لوداب بویراحمد مستقر می باشد .

غار نول

غار نول در کوه گل واقع در ۲۰ کیلومتری منطقه سی سخت واقع گردیده است . غار نول با طول ۸۰ متر دارای چند تالار پلکانی و انشعاب های مختلف و از لحاظ بررسی های زمین شناسی حایز اهمیت می باشد. ارتفاع دهانه غار ۳ متر است که در برخی نقاط درون غار تا ۲۰ متر تغییر میکند. سقف و بدنه غار از سنگهای آهکی اسمری و قندیلهای زیبایی پوشیده شده و قطعات آب از این قندیلها و سقف غار، چکه میکند. در عمق غار چند چشمه وجود دارد که آب زلال و خنکی از آنها جاری است. دخالت های انسانی پیرامون چشمه سارها و قنات های اطراف این غار بیانگر استفاده از غار در دوره های گذشته و اخیر است . به نظر میرسد این غار در گذشته به عنوان پناهگاه موقتی مورد استفاده قرار گرفته است .

غار مس

غار مس در محل خونگاه آب سیاه بویراحمد واقع گردیده است و دهانه های بسیار متعددی دارد. بررسی ها نشان میدهند که در روزگار ساسانیان ، از این ، غار مس و کبالت استخراج میکردند و اکنون نیز در دست بررسی اداره معادن و فلزات می باشد .

اماکن زیارتی و مذهبی

بقعه امام زاده حسن

بقعه این امام زاده در شمال شهر یاسوج بعد از روستای مریوانی قرار دارد و بنایی ساده است که در کنار یک درخت سایه گستر و در میانه قبرستانی ساخته شده است. در کنار این اطاقک گلین، درخت سبز و پرشاخ و برگی سایه گسترده است که آن را چشم میزه مینامند . ظاهراً درخت را نبریده اند و این خود دلیلی بر تقدیس آن درخت و اعجاز امام زاده حسن می باشد. چشمه ای نیز در کنار بقعه امام زاده که معمولاً در زمستان یخ میندند، وجود دارد. یخهای این چشمه شصت روز پس از نوروز آب میشود. مردم



بومی زمان آب شدن یخ های چشمه را از روزگاران قدیم مبداء کارهای کشاورزی، باغداری و شبنانی و تقویم بومی برای زراعت و گل داری و حرکت و کار و کوشش کشاورزی به حساب می آورند.

بقعه امام زاده قاسم

در روستای گوشه واقع در شمال غرب یاسوج ، بقعه ساده ای وجود دارد که به اعتقاد مردم مدفن امام زاده قاسم است که در ۱۵ کیلومتری یاسوج به بابا میدان و در کنار رودخانه در زیر درخت بلوطی از نظر ناپدید شده است . نقطه ای را که امام زاده قاسم در آن ناپدید شده بلی هوشا مینامند. بلی به معنای بلوط و هوشا به معنی حصار بلوط است. مردم بومی سنگی که گویا امام زاده قاسم بر روی آن خوابیده ، مقدس می شمارند و به آن زیارت و رازو نیاز می کنند.

موقعیت جغرافیایی استان کهگیلویه و بویر احمد

استان کهگیلویه و بویر احمد سرزمینی کوهستانی و تقریباً مرتفع می باشد که کوه های زاگرس با رشته های موازی، سراسر شمال و شرق و کوههای سیاه و سفید، خومی خائیز و نیل جنوب شرقی آن را در بر گرفته اند. بلندترین نقطه استان قله دنا با ارتفاع ۴۴۰۹ متر و پست ترین ناحیه آن لیشتر به ارتفاع ۵۰۰ متر از سطح دریا می باشد. رودخانه های مارون، بشار، زهره، خرسان و نازمکان از این استان عبور می کنند. و ارتفاعات آن، سرچشمه تعدادی از رودخانه ها است . چهار پنجم مساحت منطقه از ارتفاعات و تپه ماهورها تشکیل شده است . در مناطق سردسیر ، ارتفاعات بلندتر و تپه ماهورها بیشتر و در مناطق گرمسیر ارتفاعات کوتاه تر و تپه ماهورها نیز کمتر است. دشت ها نیز حدود یک پنجم از مساحت استان را تشکیل می دهند و معمولاً عمده اراضی کشاورزی در دشت ها واقع گردیده است . با توجه به شرایط جغرافیایی استان، هرچه در امتداد اصلی کوه های زاگرس از شمال شرقی به جنوب غربی نزدیکتر شویم، از ارتفاع کوه ها و مقدار بارندگی و رطوبت هوا به طور محسوسی کم می گردد. این وضعیت طبیعی، مشخصات اقلیمی دوگانه ای را پدید آورده و استان را به دو ناحیه سردسیری و گرمسیری تقسیم نموده است.

صنایع دستی

صنایع دستی عشایر استان کهگیلویه و بویر احمد همانند دیگر عشایر ایران از جایگاه ویژه ای برخوردار است و چون دامپروری و پرورش دام یکی از محورهای اصلی زندگی آنهاست. پشم و موی حاصل از طریق دامداری به مصرف تهیه و تولید صنایع دستی



و دستبافت های متعددی می گردد. که عشایر این خطه می توانند علاوه بر مصرف شخصی، بخشی از آنها را به عنوان صنعت دستی به جامعه غیرعشایری عرضه کنند.

از جمله این صنایع دستی می توان به قالی و قالیچه، گلیم، گبه، خورجین، جاجیم و ... اشاره نمود.
قالی و قالیچه:

بافت قالی و قالیچه طی سالهای متمادی در میان عشایر کهگیلویه و بویراحمد تکامل یافته است. بویژه بافت قالیچه در میان ایل نشینان و روستاییان بیشتر تولید می شود و به دلیل سهولت حمل و نقل طرفداران بیشتری دارد. قالی و قالیچه جزو وسایل ضروری زندگی ایل نشینان و جزء اصلی جهیزیه دختران می باشد.
اجزای تشکیل دهنده قالی عبارتند از: پود، تار، پرزیا خواب قالی.

در این استان جنس تارها از پنبه یا مخلوط پشم و مو است و جنس پودها از پشم یا پنبه می باشد.
اما جنس پرز از پشم است و گاهی از کاموهای رنگی (اکریلیک) نیز استفاده می شود.

دستگاههای بافندگی قالی و قالیچه در غالب نقاط این استان ساده بوده و توسط خود بافندگان ساخته می شود و مثل سایر عشایر و ایالات ایران از نوع دار افقی است .

برای بافت یک قالی ممکن است یک یا دو زن به اتفاق هم کار کنند. زنان بافنده استان کهگیلویه و بویر احمد با تلفیق ذوق و سلیقه خود و با بکار بردن نقوش و طرحهای عشایری قالیهایی می بافند که بسیار زیباست. این نقوش برگرفته از پیشینیان و نسل های قبلی است که به بافندگان امروزی انتقال یافته است و با نقوشی از طبیعت پیرامون خود و اشیاء خود و اشیاء مورد علاقه تولید کنندگان ترکیب و مزین شده است.

تعدادی از این نقوش به دلیل مجاورت عشایر کهگیلویه و بویر احمد با عشایر قشقایی و بختیاری وارد بافته های این عشایر شده است .

یکی از نقوش تزیینی و قدیمی قالی های استان کهگیلویه و بویر احمد نقش حوض نام دارد. این نقشه مختص زمینه و متن قالی است . نقش حوض با استفاده خطوط شکسته فضاهای هندسی متن قالی بوجود می آید و بیشتر اوقات با نقوش گل خرده (نقوشی کوچک مانند گل پنج پر، چنگ و ...) اطراف حوض ها و فضاهای خالی پر می شود. حوض انواع مختلفی دارد:



نقش حوض ساده: که بیشتر در قالبهای قدیمی (تقریباً ۱۳۰ سال پیش) دیده می شود. این نقش از یک مربع ساده تشکیل شده و در پیرامون آن هیچ نوع گل خرده ای وجود ندارد و در وسط آن نقش چنگ را می توان دید.

نقش حوض چند ضلعی: در این نوع نقش شکستگی خطوط بیشتر شده و اطراف و درون آن با خرده نقش پر شده است. در نمونه ای که تقریباً متعلق به ۹۰ سال پیش است، نقش حوض شش ضلعی که در پیرامون و درون با خرده نقش مزین شده است دیده می شود.

نقش حوض با نشان ساسانی: این نقش در قالی هایی که تقریباً قدیمی هستند وجود دارد.

چند حوض در وسط: نمونه هایی از قالی های متعلق به ۶۰ سال پیش به این طرف دیده شده است که نقش حوض های بزرگی در متن قالی و حوض های کوچکی پشت سر هم قرار گرفته اند.

حوض در حوض: در این نقش تنوع شکستگی ها بیشتر شده و شکلی را پدید می آورند که به نقش حوض در حوض معروف است. این نمونه ها در ۴۰ سال اخیر بیشتر دیده می شوند.

از دیگر نقوش رایج در استان کهگیلویه و بویر احمد نقش خشت می باشد. در این نوع نقش متن قالی به مربع های 20×20 سانتی متر تقسیم و درون هر مربع یک طرح مستقل از دیگری بافته می شود. پیرامون مربع ها با یک حاشیه ساده محاط شده است و درون خشت ها از شکل های ساده شده طبیعی و اشیاء مورد علاقه بافندگان منقوش می گردد. سرو یکی از شکل های ساده شده طبیعی است که در میان خشت ها بافته می شود. صنوبر و سرو که در جنگل های سرسبز این خطه به صورت تکه درخت دیده می شوند برای هنرمند قالیباف یاد آور سرسبزی جنگل و نمادی از شادابی و خرمی است. اصولاً سرو در هنر ایرانی به عنوان درخت مقدس و مظهر بهار و سرسبزی و مردانگی است. استفاده از سرو در تمدن آشوری و ایلامی و پس از آن در هخامنشی دیده شده است. سروهای قالی های عشایر کهگیلویه و بویر احمد به شکل یک سرو ایستاده با شاخه های افقی است. این نوع سرو در حجاری های تخت جمشید نیز دیده می شود.

نقوش حیوانات در قالی های کهگیلویه و بویر احمد نیز رایج است. حیواناتی از قبیل: آهو، شیر، خرس، کبک، و ... که سمبل زیبایی، شجاعت و ... محسوب می شوند.

از نقوش حیوانات نقش شیر اهمیت ویژه ای دارد. در بعضی از قالی ها یک یا دو شیر بزرگ در وسط قالی و شیرهای کوچکی در اطراف شیر بزرگ قرار می گیرند که نشاندهنده شجاعت و عظمت شیر بزرگ در برابر دیگر شیرها است. شیرهای بافته شده



قالی های این خطه دارای یال و کوپال هستند. نقش سماور که در کنار نقش گیاهی بافته می شود و در کنار نقش من قالی با تغییراتی در رنگ بافته می شود از نقوش دیگر قالی های عشایر استان کهگیلویه و بویر احمد است. از نقوش بکار رفته در قالی

های عشایر از دو نقش نعلبکی و کله اسبی می توان نام برد که بیشتر در بافته های عشایر همجوار با عشایر قشقایی دیده می شود. این نقش به موازات حاشیه قالی، بصورت دو ستون با سرستون اسبی شکل در دو طرف قالی قرار می گیرد و یا د آور سرستون های تخت جمشید است.

حاشیه قالی های بویر احمد بسیار ساده است و شامل نقوش: سرو و زنگوله، پنجه خرسی، صنوبری، گل سرخی، کژدمی و پنجره ای می باشد. حاشیه های قالی های قدیمی دارای تنوع بیشتری است و از نقوش هندسی در آنها استفاده شده است. گبه:

گبه عشایر کهگیلویه و بویر احمد، نوعی فرش با پرزهای بلند و چند پوده است که ابعاد آن حدود 220×150 سانتی متر می باشد. جنس پرز گبه های قدیمی از پشم خود رنگ و جنس تار آن مخلوط پشم و مو و پود آن از پشم بود. گبه های رنگی که اخیراً در این استان بافته می شوند تار آنها گاهی از پنبه تهیه می شود.

عشایر کهگیلویه و بویر احمد از گبه جهت فرش کردن چادرهایشان استفاده می کنند. در گذشته این محصول کمتر جهت فروش به بازار عرضه می شد و چون محصولی خود مصرفی بود و در بافت آن قید و بندهای رایج بازار را نداشتند، نقوش و رنگهای دلخواه و متناسب سلیقه خود را در بافت گبه بکار می بردند. امروزه بعضی گبه بافان این استان مواد اولیه مصرفی را از سفارش دهندگان تحویل گرفته و در ازای بافت دستمزد دریافت می کنند.

در طرح گبه از نقوش هندسی، بویژه نقوش حوضی شکل که به نقش حوض معروف است بسیار استفاده می شود. نقش حوض در گبه معمولاً از یک تا سه لوزی بزرگ در وسط و متن گبه تشکیل می شود. این نقش معمولاً در گبه های خود رنگ بکار می رود. نقش دیگری که در بیشتر گبه ها بکار می رود نقش چنگ است، که هم در گبه های خود رنگ و هم در گبه های رنگی دیده می شود. این نقش به صورت یک رو در گبه های خود رنگ و هم در گبه به کار می رود.

چنگ یک رو نشاندهنده چنگی است که بازوهای آن به سمت خارج می باشد ولی بازو ها و زواید چنگ دورو هم به سمت داخل و هم به سمت خارج بافته می شود. گاهی چنگ در تمام سطح گبه، پشت سرهم و چسبیده به یکدیگر تکرار می شود و گاهی نیز به صورت گلهای جدا از هم در گبه به کار می رود.



نقش شیر: از دیگر نقوش گبه است که هم در گبه های رنگی و هم در گبه های خودرنگ کاربرد دارد. نقش شیرها گاهی به صورت تک و کوچک در بین گل‌های متنوع کوچک و گل خرده ها بافته می شود. گاهی اوقات شیرها پشت سرهم به صورت کوچک تکرار می گردد. پاره ای اوقات نیز شیرها بزرگ هستند و بصورت یک شیر تنها یا دو شیر نشسته روبروی هم یا ایستاده که شمشیری در دست دارند. به نشانه قدرت و جنگجویی دیده می شوند فضای اطراف شیرها نیز با گل‌های کوچک پر می شود. نقش قاب قرآنی: این نقش که همان نقش بوته است، بدلیل تزئینات بوته ها در اطراف قرآن ها به نام قاب قرآنی معروف است و در گبه های رنگی یا خود رنگ بکار می رود. گاهی اوقات تمام سطح گبه را می پوشاند. این نقش از روزگاران قدیم بر روی انواع دستبافت ها مانند: قلمکار، قالی و ترمه بکار رفته و رایج ترین نوع آن به « بته جقه ای » مشهور شده است .

نقش گل و بلبل: در این نقش که از رایج ترین نقوش گبه های عشایر کهگیلویه و بویر احمد است، دو بلبل روبروی یکدیگر بر روی یک شاخه گل که گل های آن همان نیم گل های هشت پر است نشسته اند.

نقش گل خرده: از نقوشی است که در گبه های خود رنگ استان کهگیلویه و بویر احمد رایج است. گل خرده ها از نقوش متنوعی مانند چنگ و ستاره تشکیل می شوند و متن گبه با این نقوش کوچک و با نظمی خاص پر می شود. از دیگر نقوش این استان که در گبه های رنگی و خود رنگ عشایر بکار می رود نقش ستاره است که در کنار یکدیگر بافته شده و حد فاصل آنها شکلی شبیه لوزی ایجاد می شود.

نقش کاجی: نقش کاج که مانند سرو مظهر سرسبزی و جوانی و زندگی است در گبه های عشایر استان کهگیلویه و بویر احمد به صورت درخت های کاج جدا از یکدیگر تمام متن گبه را می پوشاند . نقش کاجی در بعضی از گبه های خودرنگ مناطق تولید گبه (از جمله سرپیشه) دیده می شود.

نقش گل کلمی: این نقش شبیه کلم باز شده است . این نگاره شباهت زیادی به گل شاه عباسی بدون ساقه و برگ دارد.

نقش سماوری: این نقش در تمام متن گبه تکرار می شود. در کنار ورودی سماورها نقش سروی که سر آن کمی خم شده است دیده می شود. نقش سماوری روی گبه ها با نقش سماوری قالی ها متفاوت است.

حاشیه گبه های کهگیلویه و بویر احمد مانند حاشیه قالی ساده ولی هندسی تر است . از معروف ترین و زیباترین حاشیه ها می توان از حاشیه شیری، حاشیه خشت، حاشیه گل، حاشیه چنگ و حاشیه کژدمی نام برد.



گلیم بافی:

گلیم بافی در این استان بیشتر توسط زنان و دختران عشایر و روستایی و در بیشتر مناطق استان بافته می شود. سابقه گلیم بافی در این استان بسیار طولانی و شباهت زیادی به گلیم بافی در استان فارس دارد.

از مراکز مهم گلیم بافی می توان موردراز علیا، موردراز سفلی، گنجه کان، یوسف آباد، سپیدار و تنگ سرخ در نزدیک یاسوج و منطقه سادات محمودی در ۱۰۵ کیلومتری یاسوج را نام برد. منطقه مهم دیگر تولید گلیم منطقه "بهمنی" سردسیر از توابع دهدشت واقع در ۲۵۰ کیلومتری یاسوج را نام برد. منطقه مهم دیگر تولید گلیم منطقه دوگنبدان نیز در نقاطی مانند: سربیشه، بید زرد، دره پلنگی و ... بافت گلیم رواج دارد. در بی بی حکیمه در ۸۵ کیلومتری دوگنبدان که منطقه ای عشایری است، بافت گلیم از رونق ویژه ای برخوردار است .

نقوش بکار رفته در گلیم های عشایری استان کهگیلویه و بویر احمد بسیار متنوع است که از میان آنها می توان به نقش شانه یا شونه اشاره کرد. این نقش در اکثر نقاط استان در بافت گلیم بکار می رود ولی در هر منطقه با منطقه دیگر متفاوت است .
نقش لوزی: نقشایه دیگری است که در گلیم های عشایر استان دیده می شود. تنوع رنگ آمیزی و تنوع نقش لوزی در مناطق تولید گلیم، بویژه در مناطق سادات محمودی بسیار چشم گیر است .

نقش آجاری: یکی دیگر از نقوش رایج در گلیم این استان است که همیشه در ترکیب بندی افقی به کار می رود احتمال دارد بدلیل مجاورت عشایر این استان با عشایر قشقایی این نقش از گلیم های آنها اقتباس شده باشد.

نقش چهارپر: از نقوش بسیار جالب گلیم های این منطقه است که معمولاً بصورت تک گل های مجزا از یکدیگر در ترکیب بندی های افقی و لوزی دیده می شود.

نقش خراسانی: این نقش که معمولاً در ترکیب بندی افقی گلیم های عشایری به کار می رود به دو شکل متفاوت مشاهده شده است .

نقش چنگ: نقش زیبایی است که زینت بخش بسیاری از گلیم های منطقه است و اغلب در ترکیب بندی لوزی مشاهده می شود. دیگر نقوش بکار رفته در گلیم های این خطه عبارتند از : نقش پرند، نقش دانه بیگی، نقش گل تهرانی، نقش فی البداهه.

حاشیه گلیم های استان کهگیلویه و بویر احمد بسیار ساده است و تنوع کمتری در آن دیده می شود. معروف ترین حاشیه ها عبارتند از : حاشیه خراسانی، حاشیه هفت و هشت، حاشیه کتابی و حاشیه بندروی.



سیاه چادر:

سیاه چادر نوعی مسکن متحرک و سنتی است که مختص عشایر کوچ رو می باشد. عشایر کهگیلویه و بویر احمد به این مسکن "بهون" می گویند. سیاه چادر از موی بز و بوسيله زنان بافته می شود و به دو نوع تابستانی و زمستانی تقسیم می گردد. عشایر به علت زندگی متحرک ناگزیر از زندگی در سیاه چادر هستند. چرا که دارای ویژگیهایی است که با شیوه زندگی آنها کاملاً هماهنگ و متناسب است :

__ وزن و اندازه مناسبی جهت حمل و نقل توسط چهار پایان و راههای صعب العبور دارد.

__ جمع آوری و بر پا ساختن آن به سهولت انجام می گیرد.

__ در مقابل تغییرات آب و هوایی (باد، باران و آفتاب) مقاوم است .

__ تهیه و تولید آن توسط افراد خانوار امکان پذیر است .

سنت بافت چادر از موی بز سابقه ای دیرینه دارد این سنت تا به امروز بی هیچ تغییری ادامه یافته است .

بافت سیاه چادر توسط عشایر استان کهگیلویه و بویر احمد در بیشتر نقاط این استان رایج است. این محصول صرفاً به منظور رفع نیازمندیهای محلی انجام می گیرد.

سیاه چادرهای عشایر استان کهگیلویه و بویر احمد به دو صورت "بهون" (چادر زمستانی) و "گرمه" (چادر تابستانی) است.

جاجیم:

از بافته هایی است که در بیشتر نقاط روستایی و عشایری استان کهگیلویه و بویر احمد رواج دارد. این محصول سبک و ارزان و

وسيله مناسبی برای عشایر کوچنده جهت زیر انداز، رو انداز، رختخواب پیچ و ... محسوب می شود. در قدیم از این بافته برای

پوشش روی کرسی ها استفاده می کردند.

نقوش جاجیم های کهگیلویه و بویر احمد متنوع و زیبا هستند و از آن میان می توان به نقش ماریو، نقش خشت، نقش آغاجری،

نقش لوزی و نقش ماشورکش اشاره کرد.

در سالهای اخیر تولید جام جیم بسیار کاهش یافته است . عشایر منطقه جاجیم مورد نیاز خود را از شهرهای شیراز، بهبهان و ...

خریداری می کنند. البته در بعضی از سیاه چادرها و منازل نمونه های قدیمی آن هنوز وجود دارد و در بعضی مناطق کم و بیش

تولید جاجیم انجام می شود . از جمله در منطقه « کاکون » که جاجیم های زیبایی دارد. بافت جاجیم با دستگاه چهار وردی است



که از دو تیر چوبی به طول حدود ۱۱۰ سانتیمتر (که به موازات یکدیگر و به فاصله حدود ۷ متر بوسیله چهار میخ چوبی بر روی زمینی محکم شده اند) انجام می شود. این وسیله، امکان تولید دو قطعه جاجیم با عرض حدود ۷۵ و طول نزدیک به ۱ متر را میسر می سازد انجام می شود. قطعات بافته شده از طرف طول به یکدیگر دوخته شده و جاجیمی به طول ۵ متر و عرض ۲ متر بدست می آید.

توبره:

توبره یا به گویش محلی عشایر کهگیلویه و بویر احمد توربه کیف مستطیل شکل زیبایی است که ابعاد آن ۶۰×۵۰ سانتیمتر است و دختران ایل به عنوان جهیزیه آن را به خانه شوهر می برند. این دستباف، مصرف شخصی و خانگی دارد و زنان عشایر از آن برای حمل علفهای چیده شده از کوه و دشت برای گوسفندان استفاده می کنند. این بافته کیف مانند بوسیله دسته هایی که در طرفین آن قرار دارد به روی دوش حمل می شود. از این جهت حمل آن بسیار آسان و دستها هنگام حرکت آزاد می باشند. در قسمت بالا و سمت رویی توبره، شکافهایی وجود دارد و در پشت توبره و در همان ارتفاع نوارهای بافته شده باریکی از جنس پشم و منطبق با شکاف های قسمت رویی دیده می شود. حلقه های بکار رفته در داخل شکاف ها بطرف جلو کشیده شده و زنجیروار در یکدیگر فرو رفته و حلقه آخر بوسیله تکه طناب کوتاهی که به انتهای توبره وصل است، گره می خورد. توبره دستبافتی است متناسب با شرایط زندگی عشایر نواحی منطقه که در زندگی روزمره آنها کاربرد فراوانی دارد. نقوش رایج در توبره بیشتر به دو شکل گل توبره ای و گل آدمی می باشد. آئینه دان یا چنته:

این دستباف در هر خانه و سیاه چادری به چشم می خورد. کیفی دسته بلند است که جهت وسایل شخصی زنان و نگهداری قرآن و آینه کاربرد دارد. بافت چنته و مواد بکار رفته در بافت آن گاهی شبیه به گلیم و گاهی شبیه قالی و یا هر دو می باشد. به این معنی که یک چنته ممکن است هر دو روی آن گلیم بافت و یا قالی بافت یا یک روی آن گلیم بافت و روی دیگر به شیوه قالی بافته شده باشد. نقوش معمول در چنته همان نقوش فرش ها و گلیم ها، ولی در ابعاد کوچکتر می باشد. نمکدان:

این محصول کاملاً عشایری است که در گذشته برای نگهداری نمک و حمل آن استفاده می شده است و در حال حاضر چندان کاربردی در زندگی آنان ندارد. البته هنوز هم نمونه هایی از آن در میان عشایر کوچرو دیده می شود.



وسایل بافت نمکدان همان وسایل بافت گلیم و قالی است و مواد اولیه آن مخلوط مو و پشم است .

نقوش نمکدان ها معمولاً از چند ردیف لوزی های کوچک و رنگارنگ که به صورت متناوب با نوارهای رنگی قرار گرفته اند

تشکیل می شود.

خورجین:

خورجین بافته ای عشایری است که جهت حمل آذوقه بر پشت چهارپایان مورد استفاده قرار می گیرد . شکل کلی خورجین شبیه

به دو کیسه متصل بهم است و بافت آن مانند گلیم دارای پود پشمی و تار پنبه ای است. در میان خورجین های قدیمی، خورجین

هایی با بافت مشابه قالی نیز دیده می شود که بنظر می رسد بیشتر جنبه تزئینی داشته باشند، چرا که بعلت سنگینی وزن قالی

بعید می نماید که بتوان در حمل و نقل مورد استفاده واقع شود.

سفره:

از بافت های عشایری است که ابعاد تقریبی آن 170×150 سانتیمتر می باشد. زنان عشایر از سفره به هنگام پخت نان استفاده

می کنند و چانه های خمیر نان را روی آن می چینند.

تار سفره مخلوطی از مو و پشم و پود آن از پشم سفید بوده و جهت ایجاد نقوش از پشم رنگی استفاده می شود. البته در سالهای

اخیر برای بافت سفره از نخ پنبه ای به عنوان تار و زمینه و از کاموای رنگی به منظور پود استفاده می شود.

زمینه سفره سفید رنگ با نقوش ساده و مجزا از یکدیگر بوده و نقوش به وسیله حاشیه های زیبایی از یکدیگر مجزا می شوند.

پشتی :

پشتی از دستبافتهایی است که توسط بعضی از عشایر اسکان یافته کهگیلویه و بویر احمد تولید می شود.

در واقع پشتی قالی یا گلیم مربع شکلی است که توسط سراجان شهرهای شیراز و کازرون تبدیل به پشتی می شود. جنس پشتی

همان جنس قالی یا گلیم است . گاهی اوقات هر دو روی پشتی از جنس قالی یا گلیم و پاره ای اوقات قسمت رویه پشتی قالی

بافت و قسمت پشت آن گلیم بافت می باشد.

ابعاد تقریبی آن 70×70 یا 75×70 سانتی متر است و نقوش رایج این محصول همان نقوشی است که در فرش ها و گلیم ها

بکار می روند با این تفاوت که ابعاد پشتی کوچکتر از قالی گلیم است

حور (خور) یا جوال :



عشایر کهگیلویه و بویر احمد از حور یا به گویش محلی خور جهت حمل و نقل مواد مورد نیاز خود مانند ماه، بذر، آذوقه و ... استفاده می کنند. حور بافتی شبیه به گلیم دارد و با همان ابزار کار گلیم بافی بافته می شود. حور بافته ای مربعی شکل با اندازه

$1/5 \times 1/5$ می باشد که از دو بخش مساوی تشکیل شده است . بخش رویی خور نقوش متنوعی دارد و قسمت پشت حور دارای نقوش کمتر و راه راه است . پس از بافت مربع به منظور تهیه حور یا جوال، مربع بافته شده از وسط تا شده و اطراف آن دوخته می شود تا به شکل کیسه درآید. در سمت رویه و پشت آن دو دسته از جنس مو و پشم مخلوط تعبیه می شود تا جهت حمل و نقل و جابجایی حور مورد استفاده واقع شود.

نقش « بگم » رایج ترین نقشی است که در حورهای بافته شده عشایر کهگیلویه و بویر احمد بکار می رود. جانماز (سجاده):

عشایر کهگیلویه و بویر احمد جهت نمازگزاردن محصولی تولید می کنند که در واقع گلیم کوچکی است که تار آن از موی بز و پشم و پود آن از پشم است. آنها معتقد هستند که عبادت کردن بر سجاده بافته شده از کرک شتر سنت پیامبر اسلام (ص) بوده است و ثواب فراوان دارد. از اینرو معمولاً حاشیه جانماز ها را با پشم گوسفند و زمینه مرکزی آن را با کرک شتر می بافند. جانماز بافته ای ساده و بدون نقش است که با حاشیه ای در اطراف محدود می شود.

شله یا آلاتی:

این محصول بیشتر از پارچه های فرسوده بویژه از لباس سنتی زنان (که دامنی بسیار گشاد و بلند داشته و در دوخت آن ۱۲ تا ۱۵ متر پارچه مصرف می شود) استفاده می شود. پس از شستن پارچه های فرسوده، آنها را به پهنای یک انگشت رشته، رشته کرده و بوسیله پرده می تابانند و از رشته های تابیده شده محصولات راه راه و زیبایی می بافند که به مصرف زیرانداز می رسد. جل:

عشایر جهت پوشاندن چهارپایان خصوصاً اسب و الاغ از این بافته استفاده می کنند. بافت جل شبیه به گلیم و بسیار ساده است . جهت بافت این محصول ساده و بدون نقش در گذشته از پشم استفاده می شد، ولی در حال حاضر بیشتر نخ پنبه ای به مصرف می رسد. بندرت دیده شده است که روی جل ها سوزندوزی هندسی انجام شود. این نوع جل از یک طرف دارای نقش و یک رویه است.

طناب :



از آنجائیکه طناب در زندگی عشایر کهگیلویه و بویر احمد نقش مهمی دارد و استفاده از آن برای انجام کارهای مختلف روزانه ضروری است، زنان عشایر کهگیلویه و بویر احمد با استفاده از مو یا پشم تابیده شده طنابهایی می بافند که مصارف گوناگون

دارد: در برپایی سیاه چادر، مهار گوسفندان، محکم کردن ابزار کشاورزی و

نوعی از طناب که برای مهار چهارپایان استفاده می شود گیس بافت است که در انتهای آن یک حلقه جادکمه ای مانند متصل است و در صورت لزوم پای چهارپایان را درون حلقه جای داده با یک میخ چوبی به زمین محکم می کنند. نوع دیگر طناب که جهت مهار گوسفندان بکار می رود از یک رشته اصلی به طول تقریبی دو متر و یک حلقه متصل به انتهای آنان تشکیل شده است به این رشته اصلی که گیس بافت است حلقه هایی متصل است که در موقع لزوم حلقه ها از سر گوسفندان گذرانده می شود و حلقه انتهایی رشته اصلی که قابل تنگ و گشاد شدن است به میخ چوبی محکم می شود. این نوع طناب مخصوص مهار گوسفندان است .